

مبانی توسعه پایدار در ایران

جواد اطاعت، فرهاد دژپسند، علی دینی ترکمانی، محمود سریع القلم
مظفر صرافى، وحید محمودى، بهروز هادى زنوز



نشر

عنوان و نام پدیدآور	: مبانی توسعه در ایران / جواد اطاعت ... (او دیگران).
مشخصات نشر	: تهران: نشر علم، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۳۸۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۴۷۰-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: جواد اطاعت، فرهاد دژپسند، علی دینی ترکمانی، محمود سریع القلم، مظفر صرافی، وحید محمودی، بهروز هادی زنوز.
موضوع	: توسعه پایدار--ایران
موضوع	: رشد اقتصادی--ایران -- برنامه ریزی
موضوع	: ایران -- سیاست اقتصادی -- آینده نگری
شناسه افزوده	: اطاعت، جواد.
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ م / ۷۵/۶ HD
رده بندی دیویی	: ۳۳۸/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۹۸۲۹۷۰



شعاع

مبانی توسعه در ایران

جواد اطاعت و ...

چاپ اول: ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۶۵۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: رامین

مرکز پخش علم: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بن بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۴۷۰-۶

تقدیم به

✽ کارگران، کارآفرینان و سرمایه گذاران بخش خصوصی که تلاشهای آنها در تاروپود توسعه ایران تنیده شده است.

✽ کشاورزانی که با یادگیری شیوه‌های نوین کشاورزی و استفاده بهینه از آب و خاک تلاش می‌کنند در واحد سطح محصول بهتر و بیشتری را تولید کنند.

✽ صنعت گرانی که کیفیت محصولات تولیدی را فدای کمیت نمی‌کنند.

✽ مهندسانی که در کنار تخصص سبقت به توسعه ایران متعهدند.

✽ ثروتمندانی که به تولید، اشتغال و در مجموع به بزرگی اقتصاد ایران می‌اندیشند.

✽ فعالان اقتصادی که به جای انحصار، خود را برای رقابت با دیگران آماده می‌کنند.

✽ هنرمندانی که با خلق آثار هنری و صنایع دستی زیبا، ذوق، قریحه و هنر ایرانی را به دنیا معرفی می‌کنند.

✽ سینما گرانی که آیین زندگی جمعی اند و با انعکاس فرهنگ ایرانی نکات درس آموز آن را باز تولید و مروج کار، تلاش و توسعه و پیشرفت ایران هستند.

✽ کسانی که توسعه و پیشرفت ایران را محصول خودباوری، حرد و تلاش جمعی ایرانیان می‌دانند و خود را برای رقابت در عرصه جهانی آماده می‌کنند.

✽ برنامه ریزان و برنامه نویسانی که با امید به آینده بهتر برای ایران و ایرانی در تدوین برنامه‌های توسعه تلاش کرده‌اند.

✽ پژوهشگرانی که با نظریه پردازی، تولید علم و اختراعات خود بنیانهای توسعه را بنا می‌گذارند.

✽ دولتمردانی که به اصل رقابت برای کسب مسئولیت معتقد و وفادارند و در دوره کوتاه مسئولیت به جای دغدغه حفظ، تقویت و توسعه قدرت خویش دغدغه آزادی، آبادانی، پیشرفت و توسعه ایران را دارند.

✽ و سرانجام به همه کسانی که دل در گرو توسعه و اعتلای ایران عزیز دارند.

پیشگفتار

ارزیابی فرایند توسعه در ایران براساس شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نه تنها نگران کننده که آزار دهنده است. اگر چه در طول شصت سال برنامه‌ریزی برای توسعه، تولید ناخالص ملی افزایش داشته است؛ اما در یک فرایند مقایسه‌ای - تطبیقی با بسیاری از کشورهای در حال توسعه حتی در زمینه رشد اقتصادی علیرغم برخورداری ایران از منابع طبیعی و بویژه نفت و گاز، موقعیت جغرافیایی مناسب، پتانسیل قابل توجه در زمینه گردشگری و مهم‌تر از آن سرمایه انسانی مورد نیاز، فرایند رشد قابل قبول نیست. این موضوع باعث شد با ارائه نظریه‌ای "مبنای توسعه‌یافتگی در ایران" را در دستور کار مطالعاتی قرار دهیم. این نظریه از سه مثلث "نظام تدبیر" (فرهنگ سیاسی، حکمروایی شایسته و سیاست خارجی تعامل‌گرا) مثلث "سرمایه‌ها" (سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی و سرمایه مالی) و مثلث "تمرکززدایی" (تمرکززدایی سیاسی، تمرکززدایی اداری و تمرکززدایی اقتصادی) تشکیل شده است. اگر این سه مثلث را در کنار هم قرار دهیم هرم توسعه شکل خواهد گرفت که اضلاع قاعده آن فرهنگ سیاسی، سرمایه اجتماعی و تمرکززدایی سیاسی (دمکراسی) خواهد بود.

از آنجایی که «توسعه» موضوعی بین رشته‌ای است و عالمان علم سیاست، اقتصاددانان، جغرافی‌دانان، جامعه‌شناسان و... هر کدام از منظری به این مسئله پرداخته‌اند و بالطبع انجام این مهم از عهده و بضاعت علمی یک نفر خارج بود از همکاری که در این حوزه‌ها به عنوان اساتید و پژوهشگران شناخته شده معرف جامعه علمی و دانشگاهی می‌باشند دعوت به عمل آمد. آقایان دکتر فرهاد دژبند، دکتر علی دینی ترکمانی، دکتر محمود سریع القلم، دکتر مظفر صرافی، دکتر وحید محمودی، دکتر بهروز هادی زنوز و اینجانب بنا به تخصص خویش حداقل نسبت به تبیین یکی از فصول این پژوهش عهده دار مسئولیت شدیم. شاید در ایران برای اولین بار باشد که اساتید و پژوهشگران علوم اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی با تشریک مساعی نسبت به تدوین یک کتاب در باب توسعه اهتمام ورزیده باشند. آنچه حاصل آمده مجموعه مطالعات در حوزه‌های پیش گفته در خصوص توسعه پایدار در ایران است که تقدیم جامعه علمی، دانشجویان، دانش‌پژوهان و دست‌اندرکاران فرایند توسعه کشور می‌شود. امید آنکه این کتاب در عمل نیز دستمایه‌ای برای تسریع فرایند توسعه پایدار در ایران گردد. شایسته است از همکاران دانشگاهی و دانش‌پژوهان گرامی سرکار خانم سیده زهرا موسوی و آقای مسعود رضایی دانشجویان دوره دکتری که در فصول

تمرکززدایی و توسعه پایدار و تمرکز زدایی سیاسی (دمکراسی) با این پژوهش همکاری نمودند و همینطور سرکار خانم مهدیه مومنی که زحمات ویرایش و صفحه‌بندی را عهده دار بودند و مدیر انتشارات علم که زمینه نشر این اثر را فراهم آوردند تشکر و قدردانی نمایم. بی شک اشکالات وارده بر عهده‌ی ماست.

جواد اطاعت

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

www.ketab.ir

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۹	بخش اول؛ مثلث نظام تدبیر و توسعه پایدار
۲۱	فصل اول؛ فرهنگ سیاسی و توسعه در ایران
۲۱	مقدمه
۲۳	چارچوب نظری
۲۸	مبانی تاریخی فرهنگ سیاسی در ایران
۳۰	ارزیابی داده های میدانی
۴۷	نتیجه گیری
۵۰	منابع
۵۱	فصل دوم؛ توسعه به مثابه حکمروایی شایسته
۵۱	مقدمه
۵۳	پیشینه و مسئله توسعه چیست؟
۵۵	تکوین مفهوم توسعه و رویکردهای تحقق آن
۶۲	الگوواره توسعه پایدار و پسا توسعه گرایی
۶۷	حکمروائی شایسته چیست؟
۷۱	حکمروائی شایسته: بایسته توسعه
۷۴	برقراری حکمروائی شایسته با تمرکززدائی و توسعه اجتماع محلی
۷۹	پایان سخن: حکمروایی شایسته برای غلبه بر توسعه نیافتگی ایران
۸۲	منابع
۸۹	فصل سوم؛ سیاست خارجی و توسعه در ایران
۸۹	مقدمه
۹۰	جایگاه ایران در نظام بین الملل

۹۱	ایران در عصر حاکمیت گفتمان ژئواستراتژیک
۹۶	ایران در عصر گفتمان ژئواکونومی
۱۰۰	جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران
۱۰۱	جهت‌گیری بیطرفی
۱۰۲	جهت‌گیری انفعالی (انطباق رضایت آمیز)
۱۰۴	جهت‌گیری اعتراضی
۱۰۸	جهت‌گیری تاملی
۱۱۰	نتیجه‌گیری
۱۱۱	منابع
۱۱۵	بخش دوم: مثلث سرمایه‌ها و توسعه پایدار
۱۱۷	فصل اول: سرمایه اجتماعی و عوامل اقتصادی و سیاسی؛ رویکرد علیت انباشتی
۱۱۷	مقدمه
۱۱۹	تعاریف، مفاهیم و نظریه‌ها
۱۲۱	نقدهای وارد بر مفهوم و نظریه سرمایه اجتماعی
۱۲۴	صورت‌بندی رابطه میان سرمایه اجتماعی با عوامل اقتصادی و سیاسی
۱۳۰	افول سرمایه اجتماعی در ایران: شواهد آماری و فرضیه‌های رقیب
۱۳۶	نتیجه‌گیری
۱۳۸	منابع
۱۴۱	فصل دوم: سرمایه انسانی، قابلیت انسانی
۱۴۱	مقدمه
۱۴۵	تعریف و تبیین مفهوم «قابلیت انسانی»
۱۴۶	جایگاه "قابلیت انسانی" در نظریات نوین توسعه
۱۵۰	تفاوت سرمایه انسانی و قابلیت‌های انسانی
۱۵۳	نتیجه‌گیری
۱۵۴	منابع
۱۵۵	فصل سوم: نقش و جایگاه سرمایه مالی در رشد و توسعه ایران
۱۵۵	مقدمه
۱۵۷	رابطه رشد و توسعه اقتصادی و توسعه بخش مالی
۱۶۱	سیستم‌های مالی

۱۶۵	انواع بازارهای مالی
۱۶۶	بازار سرمایه
۱۶۶	بازار اولیه
۱۶۷	بازار ثانویه
۱۶۷	بازار پول
۱۷۱	بررسی تطبیق کارکرد نهادهای مالی
۱۷۲	انواع بانکهای تجاری
۱۷۲	شرکتهای سرمایه گذاری
۱۷۳	شرکتهای کارگزاری
۱۷۳	بانک سرمایه گذاری
۱۷۴	مقایسه تطبیقی نهاد های مالی
۱۷۵	تامین مالی رشد و توسعه اقتصادی در ایران
۱۷۵	تولید و رشد اقتصادی
۱۷۹	اثر درآمد نفت بر رشد و توسعه اقتصادی کشور
۱۸۱	تاثیر نفت بر گسترش بیش از حد مخارج دولت و بی ثباتی سیاست مالی
۱۸۳	شاخصهای توسعه مالی و تحلیل آن در ایران
۱۸۳	نسبت نقدینگی (M^2) به GDP و مقایسه آن با رشد GDP
۱۸۴	تسلط بازار پول بر بازار سرمایه در ایران
۱۸۵	مشکلات نظام بانکی در روند عملیاتی تأمین مالی
۱۸۵	فقدان بانکهای سرمایه گذاری (شرکت تأمین سرمایه)
۱۸۶	محدودیت ابزارهای مالی موجود
۱۸۶	عدم عملکرد صحیح بورس به عنوان بازار اولیه اوراق
۱۸۹	منابع تأمین مالی بنگاهها در ایران
۱۸۹	مشکلات سیستم مالی کشور
۱۹۰	نتیجه گیری
۱۹۳	منابع
۱۹۵	بخش سوم: مثلث تمرکز زدایی و توسعه پایدار
۱۹۷	فصل اول: تمرکز زدایی سیاسی (دموکراسی) و توسعه
۱۹۷	مقدمه

۲۰۰	تعاریف، مفاهیم و نظریه‌ها
۲۰۰	دمکراسی
۲۰۳	توسعه و رویکردهای مختلف نسبت به آن
۲۰۷	ارتباط میان لیبرالیسم و دمکراسی
۲۰۹	رابطه متقابل دمکراسی و توسعه
۲۱۵	رویکرد اقتصادی و نظریه توسعه دمکراسی‌گرا
۲۱۶	رویکرد سیاسی و نظریه دمکراسی توسعه‌گرا
۲۱۸	دمکراسی و توسعه: رابطه‌ای متقابل یا مناقشه برانگیز؟
۲۲۰	دمکراسی و توسعه و نظریه همای دشوار
۲۲۱	دمکراسی، نظام سیاسی و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی
۲۲۳	کیفیت دمکراسی و توسعه
۲۲۴	دمکراسی و بازار
۲۲۶	نتیجه‌گیری
۲۲۹	منابع
۲۳۳	فصل دوم؛ کثرت‌گرایی سیاسی و مشارکت نهادمند مدنی
۲۳۳	مقدمه
۲۳۵	تعاریف، مفاهیم و نظریه‌ها
۲۳۸	نخبه‌گرایی
۲۴۱	صنف‌گرایی
۲۴۲	کثرت‌گرایی پست مدرنیته
۲۴۲	آثار و پیامدهای تکثر‌گرایی سیاسی
۲۴۲	جنبه‌های مثبت
۲۴۴	پیامدهای منفی
۲۴۵	نتیجه‌گیری
۲۴۸	منابع
۲۵۱	فصل سوم؛ تمرکززدایی اداری - مدیریتی
۲۵۱	مقدمه
۲۵۲	تعاریف، مفاهیم و نظریه‌ها
۲۵۷	تمرکززدایی در کشورهای توسعه‌یافته

۲۶۲	پژوهشها و مطالعات انجام شده در ایران
۲۶۷	سابقه موضوع، اقدامات تقنینی و اجرایی در ایران
۲۷۱	نتیجه گیری
۲۷۶	منابع
۲۸۱	فصل چهارم: تمرکز زدایی اقتصادی؛ خصوصی سازی در ایران بعد از انقلاب اسلامی
۲۸۱	مقدمه
۲۸۳	چاقوب مفهومی و مبانی نظری بحث
۲۸۳	نقش برانزده دولت و بخش خصوصی در اقتصاد بازار
۲۸۶	مبانی نظری خصوصی سازی
۲۸۷	تجربه خصوصی سازی در کشورهای موفق
۲۸۸	بریتانیا
۲۹۱	فرانسه
۲۹۲	شیلی
۲۹۳	• اولین دوره خصوصی سازی ۱۹۷۴-۱۹۷۵
۲۹۳	• دومین دوره خصوصی سازی ۱۹۷۵-۱۹۷۹
۲۹۴	• سومین دوره خصوصی سازی ۱۹۸۵-۱۹۸۶
۲۹۴	• چهارمین دوره خصوصی سازی ۱۹۸۶-۱۹۸۸
۲۹۵	رومانی
۲۹۶	نظام اقتصادی ایران در قانون اساسی و جایگاه شرکت های دولتی در اقتصاد ایران
۲۹۷	نظام اقتصادی ایران در قانون اساسی
۲۹۷	تلفیق ارزشهای مذهبی و دموکراتیک در قانون اساسی
۲۹۸	بدبینی به ساز و کار اقتصاد بازار و بر پایی اقتصاد دولتی
۳۰۱	بدبینی به ساز و کار اقتصاد جهانی و تنش در مناسبات بین المللی
۳۰۳	ایجاد دولت رفاه و پیامدهای اقتصادی آن
۳۰۶	جایگاه شرکت های دولتی در اقتصاد ایران و تاثیر برنامه خصوصی سازی بر آن
۳۱۰	خصوصی سازی در دوره برنامه های اول و دوم (۱۳۶۸-۱۳۴۸)
۳۱۱	سیاست های اقتصادی دولت در برنامه های اول و دوم
۳۱۶	واگذاری سهام شرکتهای دولتی در دوره برنامه اول و دوم
۳۱۷	خصوصی سازی در دوره برنامه سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۹)
۳۱۸	برنامه اصلاح ساختار و ساماندهی شرکت های دولتی

۳۲۰	برنامه خصوصی سازی شرکت های دولتی
۳۲۱	فرایند واگذاری شرکتهای دولتی در دوره برنامه سوم
۳۲۴	برنامه تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیتهای اقتصادی
۳۲۶	مقررات مندرج در قانون برنامه چهارم
۳۲۸	سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی و اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم
۳۳۲	واگذاری شرکتهای دولتی در دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۱
۳۳۴	ارزیابی و ارایه پیشنهادات
۳۳۸	منابع
۳۴۰	استنتاجات موضوعی و نظری (نتیجه گیری پایانی)
۳۴۰	الف؛ مثلث نظام تدبیر
۳۴۳	ب؛ مثلث سرمایه ها
۳۴۶	ج؛ مثلث تمرکز زدایی
۳۵۷	ضمیمه؛
۳۵۷	نقد و ارزیابی رویکردهای مختلف در توسعه نیافتگی

مقدمه

توسعه فرایند گذار از وضع موجود به وضع مطلوب در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. توسعه به مثابه نهالی است که باید غرض شود ویا مراقبت و مواظبت رشد کرده، بالنده شده تا به ثمر بنشیند. آنچه در این فرایند نقش آفرینی می‌کند چگونگی تعامل انسان با طبیعت در ظرف زمان است. البته مبحث توسعه موضوع جدیدی نیست. بهبود شرایط زندگی انسان و استفاده بهینه از منابع و امکانات مادی و معنوی، در طول تاریخ از دغدغه‌های اصلی جوامع انسانی بطور اعم و متفکران، صاحب نظران و حاکمان بطور اخص بوده است. دوره پارینه سنگی، نوسنگی، مس و مفرغ، انقلاب صنعتی و دوره کنونی بیانگر سیر تکامل اندیشه انسان برای چگونگی بهره‌وری از امکانات و منابع موجود در طبیعت بوده است.

فرایند تکاملی فوق را می‌توان در حوزه های مختلف و متعدد، به صورت جداگانه‌ای مورد تحقیق و تتبع قرار داد. از زمانی که اولین انسان در اندیشه پرواز برآمد تا برادران رایت که موفق به پرواز شدند و مهم‌تر از آن سفر انسان به فضا و استفاده از هواپیماهای مافوق صوت، ساخت انواع وسایل نقلیه موتوری، استفاده از امکانات مخابراتی، رادیویی، ماهواره‌ای و . . . در حوزه فنی و علوم دقیقه، مبارزه با انواع آفات گیاهی و جانوری، استفاده از بیوتکنولوژی، سلول‌های بنیادی و درمان بیماری‌ها و . . . در عرصه علوم طبیعی و ارائه ده‌ها نظریه در موضوعات فلسفی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست و بطور کلی علوم انسانی، نشان از پویایی، خلاقیت و فرایند تکاملی اندیشه انسان در طول تاریخ دارد.

در مبحث رشد و توسعه نیز دانشمندان نظریه پردازی‌های متعدد، متکثر و متعارضی ارائه داده‌اند؛ اما بطور مشخص پس از جنگ جهانی دوم و از دهه ۱۹۵۰ میلادی این پارادایم فکری به لحاظ کمی و کیفی گستره وسیعی یافته است، به گونه ای که هم اکنون به گفتمان حاکم در دنیای کنونی بدل شده است. در طول بیش از شش دهه از عمر حاکمیت گفتمان توسعه، مکاتب مختلفی چون مکتب نوسازی، وابستگی و نظام جهانی در یک فرایند تعارضی و بعضاً تعاملی نظریاتی را در خصوص چگونگی توسعه‌یافتگی ارائه داده‌اند. پژوهشگران مکتب نوسازی یا مدرنیزاسیون در میان صاحب نظران غربی و عمدتاً از دانشگاه‌های امریکای شمالی به نظریه پردازی پرداخته‌اند. ایشان معتقدند توسعه فرایند گذار از جوامع سنتی به جوامع مدرن است. کسانی همانند دانیل لرتز، ماریون لوی، نیل اسملسر، ساموئل آیزنشتات، گابریل آلموند و . . . توسعه را از منظر کشورهای توسعه‌یافته غربی مورد مطالعه قرار داده‌اند. این مکتب علت اصلی توسعه نیافتگی

کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه را با نگرشی درون گرا بر عوامل و موانع داخلی نظیر فرهنگ سنتی، فقدان انگیزه پیشرفت، سرمایه گذاری اندک، دولتهای استبدادی و ناکارآمد و... متمرکز کرده‌اند. این دیدگاه با استفاده از دو نظریه تکامل گرایی و کارکرد گرایی چگونگی گذار کشورهای پیشرفته غربی از جامعه سنتی به جامعه مدرن را تبیین می‌کند و این فرایند را سرمشق و الگویی برای کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه می‌داند.

در مقابل این جریان فکری مکتب وابستگی قرار دارد که از دیدگاه کشورهای توسعه نیافته به موضوع می‌نگرد و با نگاهی "برون گرا" نظریه "درون گرایی" مکتب نوسازی را مورد انتقاد قرار داده، عامل توسعه نیافتگی را در روابط استثمار گرانه و تجربه استعمار و ایجاد شکاف بین مرکز و پیرامون مورد توجه قرار می‌دهد. خواستگاه این نگرش دانشگاه‌های امریکای جنوبی است. کسانی چون آندره گوندر فرانک، دوس سانتوس، سمیرامین، کاردوزه، فورتادو... بر این باورند که روابط و مناسبات ناعادلانه بین‌المللی باعث عقب ماندگی و توسعه نیافتگی کشورهای پیرامونی شده است. بطور طبیعی قطع و یا تضعیف این روابط و مناسبات گام اول کشورهای توسعه نیافته در مسیر توسعه و پیشرفت خواهد بود.

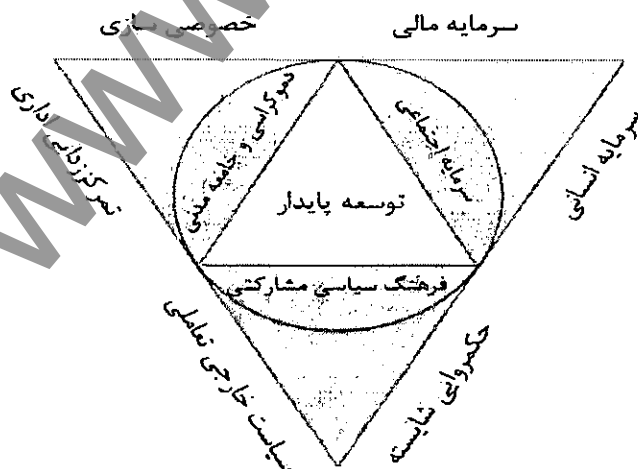
مکتب دیگری که در خصوص توسعه نیافتگی نظریه پردازی نموده است، مکتب نظام جهانی والرشتاین و همفکران اوست. این مکتب بر خلاف نظریه نوسازی که سطح تحلیل خود را بر چگونگی رشد و توسعه کشورهای پیشرفته استوار می‌ساخت و برغم نظریه وابستگی که کانون توجه خود را بر توسعه نیافتگی کشورهای پیرامون متمرکز ساخته بود، با تقسیم کشورها به مرکز، شبه پیرامون و پیرامون، واحد تحلیل خود را یک گستره تحقیقاتی بسیار وسیع در چارچوب نظام جهانی قرار می‌دهد. والرشتاین با تقسیم تاریخ اقتصاد سرمایه‌داری به دو دوره، از قرن شانزدهم تا سال ۱۹۴۵ میلادی و بعد از آن فرایند تحولات اقتصاد جهانی را مورد مطالعه قرار داده و بر این باور است که با پویای تاریخی نظام جهانی احتمال ارتقاء از موقعیت پیرامونی به شبه پیرامونی و از شبه پیرامونی به مرکز و برعکس وجود دارد. کما اینکه کشورهایی چون انگلستان، ایالات متحده آمریکا، آلمان که زمانی در موقعیت نیمه پیرامونی بوده‌اند، توانسته‌اند به موقعیت کشورهای مادر یا مرکز انتقال پیدا کنند. همینطور انتقال برخی از کشورهای پیرامونی شرق آسیا به موقعیت‌های بالاتر و برتر در دهه‌های اخیر نمونه‌هایی از این فرایند تحولات است. برعکس کشورهایی مثل اسپانیا، پرتغال و هلند که با نزول رتبه و جایگاه مواجه شدند. والرشتاین براین باور است که اغتنام از فرصت‌هایی که در نظام جهانی ایجاد می‌شود و همینطور از طریق دعوت و یا اعتماد به نفس امکان ارتقاء و پیشرفت از یک مرحله نازلتر به مرحله بالاتر وجود دارد.

به موازات طرح این نظریه‌ها در عرصه عمل نیز موضوع توسعه با فراز و فرودها و تحولات مفهومی همراه شده است. ابتدا واژه رشد^۱ به معنای افزایش تولید ناخالص ملی مد نظر قرار گرفت؛ اما عملاً معلوم گردید که

^۱ Growth

رشد اقتصادی و عقلانیت ابزاری لزوماً رشد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را به ارمغان نخواهد آورد. این نقصان زمینه تحول و تکامل رشد اقتصادی به توسعه^۱ را فراهم آورد و جنبه‌های مختلف زندگی انسانی از جمله حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را مد نظر قرار داد. متعاقباً معلوم شد که چه بسا یک واحد سیاسی به توسعه دست یابد؛ اما به دلیل استفاده غیر بهینه از منابع موجود وعدم توجه به جنبه‌های زیست محیطی، تداوم توسعه محل تردید جدی باشد، لذا مفهوم توسعه پایدار^۲ جایگزین توسعه شد. بر این اساس کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست در سال ۱۹۸۷ میلادی عنوان داشت، توسعه‌ای پایدار است که بتواند احتیاجات نسل کنونی را بدون تخریب تواناییهای نسلهای آینده برای برآورده ساختن نیازمندی‌های آنان تامین کند. بنابراین در گفتمان توسعه پایدار خوشبختی چند جانبه نسل کنونی و نسلهای آینده مورد توجه و عنایت قرار گرفت.

با این رویکرد بر اساس شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور ایران در مدار توسعه نیافتگی قرار دارد. موضوع بعدی دلیل این توسعه نیافتگی است. مهم‌تر آنکه برای جبران این توسعه نیافتگی چه باید کرد؟ و یا به عبارتی راه برون رفت از این وضعیت کدام است؟ نظریه‌ای که مبنای این نوشتار می‌باشد این است که علت اولیه و موجوده توسعه نیافتگی داخلی است و علت میقیه و تعمیق توسعه نیافتگی به چگونگی روابط و مناسبات حاکم بر نظام بین‌المللی ارتباط پیدا می‌کند. این نظریه با رویکردی اثباتی و نه سلبی توسعه‌یافتگی کشوری چون ایران را درگرو سه مثلث "نظام تدبیر"، مثلث "سرمایه‌ها" و مثلث "تمرکززدایی" می‌داند.



^۱ Development

^۲ Sustainable Development

با این رویکرد هرم توسعه مرکب از سه مثلث و نه ضلع شکل خواهد گرفت. همانگونه که در نمودار فوق پیداست فرهنگ سیاسی، سرمایه اجتماعی و دموکراسی و جامعه مدنی اضلاع قاعده این هرم را تشکیل می‌دهند. ارتباط این عوامل نه تنها به صورت همبستگی مکانیکی بلکه دارای پیوستگی ارگانیکی می‌باشد. به عبارتی مجموعه این عناصر به مثابه اعضاء و جوارح یک موجود زنده است که بدون یکی، دیگری نیز به صورت نهادمند نمی‌تواند وظیفه و کارکرد خود را به نحو مطلوبی به انجام برساند و باعث رشد و پویایی و تداوم توسعه شود. به بیان دیگر فرایند توسعه پایدار زمانی شکل گرفته و به پیش خواهد رفت که تمامی این عناصر و عوامل در تعامل با یکدیگر کارکرد خود را به نحو مطلوب و موثری به انجام برسانند. بر مبنای این نظریه هر مثلث یکی از بخش‌ها و هر کدام از این اضلاع یکی از فصول این پژوهش را تشکیل می‌دهند.